



۲۱/۰۴/۲۰۱۴



دوکتور ص، س، سعید افغانی

## خوشا به آن ملتی که به نخبگان خویش مشروعیت سیاسی بدهد! (طرحهای مشخص در مورد دولتداری خوب!)

در دیموکراسی اکثریت مشروع که مشروعیت سیاسی را در انتخابات آزاد، مشروع، سرتاسری، تحت نظر قوانین خوب بدست آورد، حاکمیت می کند و این اکثریت مشروع سیاسی زمینه ساز تأمین حقوق اقلیت سیاسی و زمینه ساز استفاده از ظرفیت های شان برای اهداف ملی و سراسری همگانی ملت است.

سیاست نفيه سیاسیتی است غیر قابل قبول و نادرست. در یک جامعه زمان استقرار آمده می تواند که نیروی های سیاسی موجود در جامعه در نتیجه سیاسی از طریق مجاری مشروع وجود داشته و صدای ملت را به صورت مشروع منعکس سازند. درین عرصه کار ضرورت به در نظرگیری بخش زیادی از باریکی ها را دارد که در صورت عدم دقت به آن موجب اختلالات در جامعه شده که مسلماً آرامش و استقرار جامعه را برهم میزند.

پُست های دولتی در کشور دارای نظام مردمی و خوب (اصطلاح نظام دیموکراتیک را بخاطر لکه دار شدن این مفهوم توسط حاکمیت ها به شمول حاکمیت های افغانستان در چهار دهه اخیر و خاصاً ۱۳ سال اخیر، عمداً بکار نبردم) به پُست های ۱/ سیاسی و پُست های ۲/ مسلکی تقسیم می شوند.

کادر ها در پُست های سیاسی به اساس نتایج انتخابات، فهم مسلکی، تقوی کاری و شایستگی در گذشته کاری، وفاداری و ایمانداری به برنامه های تیم که مشروعیت سیاسی را در انتخابات آزاد و شفاف بدست آورده است، انتخاب و انتصاب میگرد.

تیم برنده انتخابات آزاد و شفاف مکلفیت دارد که همان برنامه ها را در عمل پیاده نماید که برای این تیم توسط ملت تعیین گردیده و یا خود تعهد کرده اند. تیم مشروع برنده انتخابات مکلف است تا این برنامه را در مدت زمانیکه زمام امور در عمل پیدا کنند. این برنامه ها و تعهدات در واقعیت میثاق های اند که کاندید و تیم کاندید با ملت میثاق بسته اند. تخلف و تخطی از این میثاق مورد پیگرد اخلاقی و سیاسی و دلیل برای بطلان میثاق و فسخ مشروعیت سیاسی به مفهوم معین شده میتواند. کاریکه در دیموکراسی به صورت دوامدار ملت حق نظارت آنرا با براه اندازی اعتراضات و مظاهرات و اظهار عدم توافق در صورت تخلف آزان میثاق، در طول حاکمیت حزب مشروع برنده انتخابات دارد. در کشور ها و جوامع مستقر که احزاب و سازمانها برنامه های مدون چندین ساله دارند، خطوط کاری روشن اند و این برنامه ها افراد معتقد به آنرا به گرد خویش جمع و متقابل تربیت میکنند بس مهم و بخش از جانب مثبت و ضروری کار است که باید برای آن زمینه سازی شود اما وضع در کشور ما به نسبت عدم اهتمام مسوولین امور بنابر عدم درک شان از دولتداری خوب برای ایجاد و تقویت احزاب سیاسی دارای برنامه های مدون کار صورت نه گرفت که در نتیجه بخش از پیشتازان هویت خویش را در هویت های قومی، سمتی و استخباراتی یافتند و وضع به همان طرف رفت و برده شده که حالا عواقب ناخوش آیند آنرا به گوشت و پوست خویش احساس میکنیم. اما در شرایط ما و در وضع امروزی آنچه ممکن است این است که تیم های انتخاباتی برنامه و تعهدات داده شده کمپاین های انتخاباتی خویش را مدونتر ساخته و مانند خطوط کاری و میثاق خویش باملت در زمان زمامداری بعد از کسب مشروعیت در عمل پیاده بدارند و عملی کنند. عدم اعتناء به آن تخلف از آن درست نیست، مشروعیت و تخلف از تعهد داده شده و میثاق عقد شده میباشد.

پُست های مسلکی که به اساس فهم و دانش مسلکی و وفاداری به آرمانهای عام ملی کشور، تجربه ای خوب کاری در صورتیکه چنین فرصت ها را داشته باشد، داده شده و نصب میگردد. تقوی کاری و شایستگی در گذشته کاری و وفاداری به برنامه های ملی قابل دقت و بس مهم اند. در غیر آن تیم کاری غیر متجانس خواهد بود که مسیر روشن کاری ندارد. کسیکه به آرمانهای ملی وفادار نباشد و مردم هم آنرا نپذیرفتند، و یا به برنامه های آنها صحه نگذاشتند، نباید مانند تقسیم غنایم بخاطر رفع مشکل و صرف بخاطر خوش ساختن و بقای بی دردسر در حاکمیت مانند ۱۳ سال گذشته و مانند شرکت سهامی زمینه سازی شود. چنانچه گفته آمدیم بی درد سری ای که بعدها موجب مشکلات

خطرناک چون تفرقه های قومی و خیانت به ناموس وطن، توهین و تحقیر به مقدسات آن جنجال و درد سر برای کشور و ملت گردد. ایجاد چنین شرکت سهامی غیر قابل قبول است. بخش ازین افراد و گروه ها در صورتیکه به درست بودن بخش از نسخه های ویا کل آن هنوز هم باور دارند و مشروعیت تحقق آنرا بدست نه آوردند و در تضاد با برنامه های تیم حاکم مشروع قرار دارند بهتر و درست تر خواهد بود که نقش اپوزیسیون را بازی نموده و در دادن الترناتیف و بیدار سازی ملت برای انتخاب بهتری بعدی تلاش های خویش را ادامه داده و مانند ناظر و مراقب در سعی بهتر و تلاش بیشتر حاکمیت برای خدمت خویر، کار کنند. درین راستا عدم دقت به باریکی های لازم منجر به ایجاد حالت خواهد شد که هم اپوزیسیون بودند و هم در تمام عرصه های حساس دولتی به شمول عرصه های کلیدی، درسالهای گذشته قرار داشتند و هم در هر قدم از اپوزیسیون بودن سخن داشتند. اینها نمی توانند هم اپوزیسیون باشند و هم در حاکمیت نقاط کلیدی را در دست داشت باشند. حالت دیگر است که برنامه های مشترک وجود داشت و مشترک برای اهداف مشترک با برنامه های مشترک و نزدیک کار مشترک کرد و از عملکرد خویش مسؤول و هویت خویش را نگه داری کرد. درین صورت مسؤولیت مستقیم موفقیت ها و عدم موفقیت های دولت حاکم به دوش همچو حاکمیت اپوزیسیون نما است و ملت این را میداند.

**دولتدار بهتر و مدرن مشخصات و روش های امروزی خویش را دارند که عبارت اند از:** ایجاد دولت و حاکمیت مشروع با مصارف کم با بکار گیری علم تکنولوژی پیشرفته قابل دسترس و ایجاد ساختار ها و انستیتوت های مشروع حاکمیت، از بین بردن حلقات وسطی غیر ضروری اداره، از بین بردن فاصله ها از صدور حکم تا اجرای آن، کنترل و نظارت از وظایف داده شده مبنی بر تطبیق و پیگیری در از بین بردن موانع در تطبیق برنامه های معقول و حیاتی، تقسیم وظایف حلقات وسطی اداره به جانب مرکزیت و پایینی به نحویکه در موارد کلیدی اداره به مرکز و در موارد اجرایی به محلات پایین تنزل کند. بخش معین بودیجه به محلات داده شده و ارگانهای عدلی و قضایی و نظارتی بیشتر فعال شوند و اداره به مردم به طور نزدیک شود که شورا های مردمی مانند مراجع سمت دهنده اساسی کار شده و اجرای کارها در یک کلکین و در یک شعبه، به طور تنظیم شوند که مراجعه کننده به شعبات مختلف سرگردان نه گردیده و قواعد روشن کاری وجود داشته از وسایل مدرن تخنیک امروزی استفاده اعظم شده و مرجع دولت و پرسیجرهای اداری را روی کار کند که خود سیستم اداره زمینه ساز و مؤلف فساد نباشند. این همه مطالب و گوشه های از مطالب و تدابیر اند که ضرورت به کار وسیع ظرفیت بیشتر عملی جهت اصلاح اداره دارد. بلند بردن صلاحیت شورا های ولسوالی و ولایتی و از سطح مشورتی به مقام کنترل و نظارت و تصامیم واجب الاجرای آن توسط مقامات اداری انتصابی هم مسأله بس کلیدی و اساسی میباشد که باید به میکانیزم عملی، مؤثر آن کار بیشتر کرد.

در رأس این همه تطبیق قانون به صورت یکسان بر همه، قرار دارد. به این معنا که حتی دیموکراسی با تمام انستیتوت های آن و اقتصاد بازار آزاد بدون حاکمیت قانون مردود پنداشته شود و مردود است.

در بخش اقتصادی در کشور ما که توانایی رقابت آزاد وجود ندارد و روابط مافیایی اقتصادی مسلط است شفافیت، حاکمیت قانون و بکارگیری اقتصاد بازار مختلط برای ایجاد ظرفیت ها و بستر های رقابت آزاد و سمت دهی اقتصاد ضروری میباشد.

نقش مطبوعات به شمول بکار گیری ژورنالیزم تحقیقاتی (انویستگاتیف ژورنالیزم)، نقش سازمان ها اجتماعی و مدنی، دسترسی به معلومات، سپردن اجرای بخش از کار های دولتی به سازمان اجتماعی و مدنی و دهها تدابیر دیگر تجربه شده در کشور و جوامع سطح انکشاف مشابه با استفاده خلاق از تجارب بدست آمده توسط بشریت، مطالب اند که برای دولت داری خوب و مدرن، مردمی امروزی مساعدت کرده میتوانند.

### **اما من درین نوشته به یک طرح مشخص ذیل بیشتر تأکید و تمرکز میدارم:**

اگر دولت را چنین تعریف کنم که: دولت باریست که بر شانه های ملت نشسته و کمر ملت را ازار میدهد. پارلمان، وزیران، ریاست جمهوری، سایر مراجع عدلی و قضایی و امنیتی در شرایط نورمال همه از کمر ملت نان میخورند درین صورت همان بار خوب و مناسب خواهد بود که سنگین نباشد. اما این تأکید به عدم سنگین بودن و تلاش برای کاستن سنگینی نباید بر کوالیته و کیفیت کاری دولت تأثیر منفی بگذارد که در نتیجه بگویم که برای نظام صرف مراجع امنیتی و دیکتاتوری فردی ارزانتر تمام خواهد شد که این نتیجه گیری معقول و انسانی نیست. لذا ضرورت است که ما آن نوع تدابیر و انستیتوت های کاری نظام را ایجاد نمایم که عوض آهن در ساختار جنس طلا را به کار ببریم درین صورت وزنه کم میشود اما کوالیته و کیفیت بهتر میگردد. درین صورت و حالت به صورت مشخص در

جابجا کردن مهره ها و کادر های دولتی باید در پهلوی ملاحظات نصب افراد دارای فهم مسلکی، باتقوی سیاسی و دارای مشروعیت در پست های سیاسی باید و باید توجه کرد که قوانین و مقررات و ساختارهای دولتی چنان باشند که نباید خود مخلوق فساد و بی کفایتی باشند.

**ضرورت اساسی است که رهبری دولت را در عمل علم، دانش و تجربه های کشور داشته باشند.** تأکید یکسره به حاکمیت تجربه ها و بدون توجه به مشروعیت سیاسی و گذشته خوب تجربه کاری که اگر در گذشته چنین فرصت داشت و از آن خوب و بهتر استفاده کرده، امر ضروری است.

تأکید یکسره به تجربه بودن که مثلاً استادان پوهنتون های مشهور جهان را در پست های دولتی کشور ما نصب کرد، موجب ایجاد حاکمیت های تجرید شده و دیسانت شده میگردد و ملت آنرا خود نمی دانند. تأسف بار زمانی است که در ۱۳ سال گذشته درین بخش نیز عمدتاً افراد دیسانت شده و وارد شده از خارج هم بدون مشروعیت سیاسی، افراد مسلکی نبودند و بیشتر به اساس علایق فامیلی، شخصی، جیبی و استخباراتی نصب و عزل شدند.

اما مسأله اساسی این نوشته همان تأکید برای ایجاد سیستم و میکانیزم همکاری نزدیک، جزء سیستم ساختن و دادن رهبری عملی امور را به نخبگان کشور و اهل فن و به این ترتیب شایسته ها و انسیتوت های علمی و اکادمیک به طور و روش است که به بخش از باریکی ها توجه شما را در بالا نیز جلب کردم. در صورت عدم توجه به باریکی های فوق موجب بخش از راهکار های میشود سبب نفرت ها و حساسیت های شود که در ۱۳ سال گذشته در افغانستان عملاً بوجود آمده و عملاً حساسیت های علیه افغانان مقیم خارج از کشور به صورت محسوس در قوانین و عمل در افغانستان وجود دارند. درین رابطه باید به صورت واضح و با تأکید گفت که حتمی نیست شخص متخصص وارد شده از خارج بدون داشتن مشروعیت سیاسی در پست سیاسی افغانی نصب و مردم به وی مانند یک موجود نا آشنا به محیط نگاه نموده و آنرا از خود ندانند. اما چنین شخص متخصص میتواند در صورت نداشتن مشروعیت لازم سیاسی که ابعاد مختلف دارد مشاور خوب مسلکی و فنی شده میتواند. چطور میتوان این پروسه و این میکانیزم را ایجاد و بصورت پیگیری عملی کرد، کاریست که من بر آن تأکید دارم. افراط و تفریط در نحوه بکار گیری ازین سرمایه های ملی و انسانی موجب مشکلات و عوارض غیر قابل قبول میشوند که باید و باید آنرا به هیچ صورت دست کم نه گرفت.

درین باره پیشنهاد دارم که نقش اکادمی علوم، مراجع علمی اکادمیک و بوردهای علمی و تخصصی در چوکات واحد های اداری از بالا تا پایین جداً ضرورت تقویت داشته و تصامیم مورد نظر و طرح ها باید از فلتر ها و تصامیم این مجامع علمی و تخصصی گذشته بعداً به منصفه اجرا و عمل گذاشته شوند. تخصص و فهم سبب اتوریته درکار میشود. برای ایجاد چنین حالت باید کار از همان آغاز صورت گیرد. ضرورت است در بلند بردن بنیه های مالی، سهم دولتی در پروژه های علمی و دادن سبببندی های مالی و مساعدت های مادی و معنوی درین عرصه نباید دریغ داشت. توجه به بلند بردن اتوریته به این مراجع علمی و اکادمیک به نحوی که از آنها در اجرای امور دولتی تنگاتنگ بسیج و سازمان دهی کرد، همان چیزی و امریست که مار در دولنداری بهتر مساعدت کرده میتواند.

همچنان این مراجع علمی روابط روزمره خویش را به کارهای علمی و تحقیقی روز مره نباید قطع نموده و یکسره غرق کار های دولتی شوند. این مراجع علمی و اکادمیک میتواند جایگاه ۱۲۰ وزیر مشاور را پر نمود و دستگاه و غیر مسلکی ایجاد شده توسط حاکمیت های امروزی ۱۳ سال گذشته را پر کنند.

ضرورت است تا پروسیجر ها و میکانیزم های ایجاد شوند که هر استاد پوهنتون و کارمند اکادمی علوم و مراجع علمی، تحقیقاتی و اکادمیک کشور مشاور علاقدار، ولسوال، والی، وزیر، وکیل و سناتور شورا، رییس جمهور و معاونین آنها گردند.

کمیسیون های مسلکی در بخش های مختلف و دادن و سپردن پروژهای تحقیقاتی در بخش های مهم حیاتی کشور و بکار گیری روشن تمرکز بر اولویت های کشور و بکار گیری تصامیم این واحد های نخبگان و محققین امر و تدبیر است که مارا در حل درست مسایل کشور و دولنداری بهتر مساعدت بیشتر کرده میتوانند.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ